

سرنوشت ۵ بازار با رفع تحریم

تحریم بر مسکن اثر مستقیم ندارد

ایرج رهبر/رئیس هیأت مدیره کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن



گرچه توافق برای اجرایی شدن باید روند زمان‌بری را در مجلس ایران، پارلمان کشورهای غربی و کنگره آمریکا طی کند، اما با توجه به اینکه بیشتر مسائل حل شده است، می‌توان به نهایی شدن آن امیدوار بود. لغو تحریم‌های اقتصادی می‌تواند اثر کوتاه‌مدتی حاصل از جو خوشبینی، بر اقتصاد کشور داشته باشد و شاهد رونق نسبی فعالیت‌های اقتصادی باشیم. مشکلات حوزه مسکن چندان به مسائل خارجی و تحریم‌ها به‌صورت مستقیم ارتباطی ندارد، اما وقتی چرخ اقتصاد کشور حرکت کند مسکن نیز، که بخش بزرگی از اقتصاد را شامل می‌شود، از این رونق بهره خواهد برد.

در حقیقت رابطه مسکن با تحریم‌ها به رونق اقتصادی مشروط می‌شود، چراکه رونق در اقتصاد می‌تواند به افزایش توان خرید مردم منجر شود و طرف تقاضا در فرایند عرضه و تقاضای بازار مسکن به جایگاهی برسد که مقدمات خروج بازار مسکن از رکود مهیا شود. با کاهش هزینه‌های تولید مسکن، قیمت در فرایند عرضه و تقاضا تعیین خواهد شد و احتمال بروز جهش قیمتی دور از تصور است.

در دوران سیاست تحریم می‌توان با افزایش توان خرید مردم از یک سو و کاهش هزینه‌ها و تورم از دیگر سو، به خروج از بحران رکود مسکن امیدوار بود. در کنار این مسئله، رونق اقتصادی می‌تواند شرایط دست‌یابی به منابع ارزان‌قیمت را برای بخش تولید مسکن فراهم آورد. مبحث دیگری که با لغو تحریم‌ها شاهد خواهیم بود ازسریگیری مبادلات خدمات فنی و مهندسی در بخش‌های عمرانی و مسکن است. در دوران تحریم در زمینه خدمات فنی-مهندسی با مشکلاتی در حوزه نقل و انتقال پول، صدور ضمانت‌نامه و حتی حمل‌ونقل مصالح مواجه بودیم که با لغو تحریم‌ها این مسائل نیز تسهیل خواهند شد.

حوزه مسکن کشور در زمینه مصالح، تجهیزات و نیروی کار مشکلی ندارد و شاید در زمینه تجهیزات و مصالح حدود پنج درصد به خارج از کشور وابسته باشیم؛ ازاین‌رو تأثیرپذیری این حوزه پس از لغو تحریم‌ها می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری باشد. چنانچه اعتمادسازی شود و زمینه ورود سرمایه خارجی به کشور مهیا باشد، احتمالاً شرکت‌های خارجی در بخش مسکن ایران نیز با عقد قرارداد، سرمایه‌گذاری خواهند کرد. بخش مسکن در صورت خروج از رکود مزیت‌هایی دارد که می‌تواند برای سرمایه‌گذار داخلی و خارجی جذاب باشد؛ اینکه این بخش معمولاً حاشیه سود خوبی دارد و به‌دلیل اعتبار زمین در دنیا و به‌ویژه ایران، می‌تواند سرمایه‌گذاری مطمئنی محسوب شود. دیگر مزیت مسکن این است که سرمایه‌گذاری در این بخش با دیگر بخش‌های اقتصادی متفاوت است و از نظر مدت زمان می‌تواند در چند سال محدود شود؛ ازاین‌رو در صورت نبود رضایت، سرمایه‌گذار می‌تواند در مدت کوتاهی نسبت به دیگر حوزه‌ها، از این بخش خارج شود.



حسین راغفر اقتصاددان

بسیاری از متفکران، ازجمله ارسطو و افلاطون، دو مقوله عدالت و آزادی را از ویژگی‌های ذاتی و طبیعی انسان می‌دانند، از این‌رو این مفاهیم به ارزش‌های عام و جهانی تبدیل شده‌اند و هیچ نظام فکری حاضر نیست متهم به قربانی کردن یکی به ازای رسیدن به دیگری باشد. نظام‌های کمونیستی و سوسیالیستی قابل به آزادی و نظام‌های لیبرال هم مدعی عدالت هستند. تقابلی که به‌طور تصنعی برای عدالت و آزادی ساخته‌اند، امروزه در جامعه ما نیز به‌شدت جریان دارد و شاهد هستیم عده‌ای که منافع بزرگی دارند، تحت عنوان دفاع از آزادی به عدالت حمله می‌کنند.

در سال‌های اخیر همه در این مسئله اتفاق نظر داشتند که آنچه دولت نهم و دهم به نام عدالت انجام می‌دهد عملاً ادامه سیاست‌های اقتصادی گذشته است. در سیاست‌های نئولیبرال، نوع نگاهی که به اقتصاد و جامعه وجود دارد، باوجود تحولاتی که در ۲۶ سال بعد از جنگ صورت گرفته و تنوعی که در دولت‌ها به وجود آمده، ادامه پیدا کرده و علت اصلی تداوم این سیاست‌ها نیز منافع طبقات حاکم است و به همین دلیل، در هر دولتی که آمده و رفته، فارغ از اینکه چه شعاری داده، سیاست‌های اقتصادی همان‌هایی بوده که از قبل وجود داشته و ادامه پیدا کرده است.

تلاش‌های خستگی‌ناپذیری توسط مصلحان و متفکران جوامع مختلف انجام شده تا از دو مفهوم عدالت و آزادی ابهام‌زدایی شود. درواقع فقدان یک برداشت روشن از عدالت، در طول حیات انقلاب اسلامی، از جمله کاستی‌های نظری انقلابی است که مهم‌ترین هدف خود را تحقق عدالت می‌داند و به همین دلیل شاهد کژی‌ها و نارسایی‌هایی هستیم که در این سه‌نیم دهه اخیر، به‌خصوص بعد از جنگ تحمیلی، در کشور شکل گرفته است.

عدالت اقتصادی، توزیعی یا اجتماعی، عمدتاً واژه‌هایی هستند که معادل هم به‌کار می‌روند و مباحث مربوط به عدالت اجتماعی، گسترده‌ترین معنای خود را وقتی بروز می‌دهند که تصمیماتی موجب می‌شوند منابع محدودی توزیع شود. بنابراین اصلی‌ترین مسئله عدالت، مسئله عدالت توزیعی در سه مبحث ثروت، قدرت و منزلت است؛ اینکه بخواهیم کالا، فرصت یا امتیازی را توزیع کنیم.

عدالت به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن منابع و فرصت‌ها و دستاوردها و هزینه‌ها، به شکل منصفانه و براساس قاعده‌ای توزیع شود و هر تفسیری که از عدالت می‌شود بر درکی از مجموعه اصول اخلاقی استوار است. هدف از عدالت، برپایی یک جامعه آرمانی است و براساس اینکه آرمان‌ها چه هستند، جامعه امروزی ما آرمانی نیست و تلاش می‌کنیم که از وضعیت موجود به یک وضعیت مطلوب حرکت کنیم.

باوجود تنوع آرای فلاسفه سیاسی در مورد عدالت اجتماعی، می‌توان به وجوه مشترکی دست یافت. مسلماً هر تفسیری از عدالت اجتماعی، یک

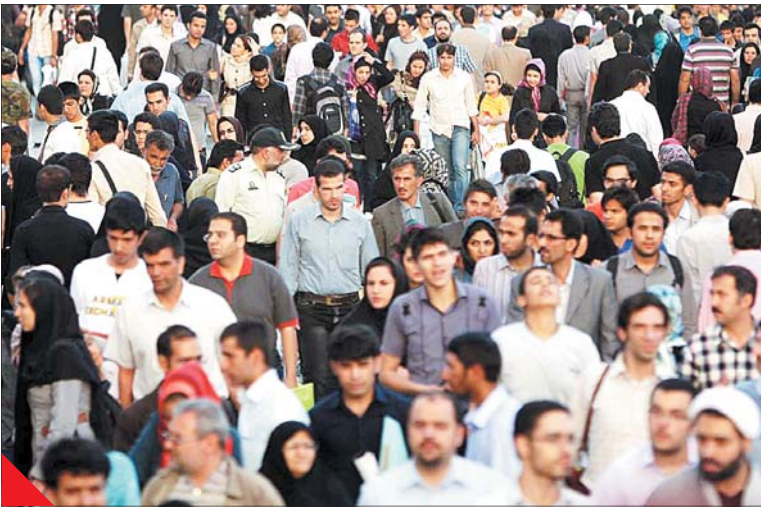
نوع ارزش‌گذاری اخلاقی بر مبنای مجموعه‌ای از اصول اخلاقی است. به این ترتیب هر وضعیت و اقدامی آنگاه عادلانه است که اخلاقی باشد. آثار و تبعات این سیاست‌ها امروزه اشکال مختلف ناسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی را شکل داده است. روند فراینده نابرابری‌ها، فارغ از آمارها در جامعه ملموس است و می‌توانیم تأیید کنیم که به‌شدت افزایش یافته است و نابرابری به‌شدتی که امروزه مشاهده می‌شود، هیچ‌گاه دیده نشده است. ریشه اصلی و علت این نابرابری‌ها و روند فراینده آن، که به نظر کمکان ادامه پیدا خواهد کرد، در تفرکی است

که بر جامعه حاکم شده و البته این یک نگاه جهانی با تبعات جهانی است و در همه کشورها با عنوان نئولیبرالیسم، که متفاوت از معنای لیبرالیسم است، مشاهده می‌شود. در لیبرالیسم شاهد توجه به نقش دولت در تأمین خدماتی در قلمروهای عمومی هستیم به این معنا که دولت‌ها در تفسیر لیبرال، مکلف به ارائه خدمات عمومی مانند امنیت

خارجی و داخلی، خدمات سلامت و آموزش و پرورش هستند و به همین دلیل در سراسر دنیا شاهدیم که همه حکومت‌های لیبرال بر این نکته تأکید دارند که استقلال فرد باید تأمین شود و برای تأمین این استقلال، با وجود تنوع در حکومت‌های لیبرال و صنعتی، همگی بر این اتفاق نظر دارند که حکومت‌ها موظف هستند برای تحقق این استقلال، حداقل‌هایی را تأمین کنند تا افراد بتوانند شأن و منزلت و عزت نفس خود را حفظ کنند. این ویژگی همه حکومت‌های صنعتی غرب است. انگلستان محو سرمایه‌داری صنعتی است اما هنوز آموزش و پرورش در این کشور رایگان است و چندسالی است که آموزش عالی رایگان نیست؛ البته در برخی نقاط بریتانیا آموزش عالی همچنان رایگان است؛ زیرا این تنها ابزاری است که به فقرا امکان می‌دهد جابه‌جایی عمودی داشته باشند و به موقعیت اقتصادی بالاتری برسند. تفاوت اصلی تفکر نئولیبرال این است که به همه پدیده‌های زندگی به‌صورت بازاری و در چارچوب عرضه و

رواج خصومت طبقاتی با نابرابری

آموزش رایگان تنها امکانی است که به فقرا اجازه رسیدن به موقعیت اقتصادی بهتر را می‌دهد



یونس

تقاضا نگاه می‌کند؛ گرچه همه بر این ادعان دارند که بسیاری از کالاها قابل عرضه در بازار با مکانیسم عرضه و تقاضا نیست. بازار به تقاضایی که پول نیز داشته باشد عرضه می‌کند اما همه متقاضیان لزوماً پول ندارند. در حوزه خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش این مسئله به چشم می‌آید و رایگان نبودن و تأمین‌نشدن حداقل‌ها در این دو حوزه باعث بین‌نسلی شدن نابرابری‌های موجود در جامعه می‌شود.

نئولیبرالیسم همه‌چیز را قابل عرضه می‌داند، ازاین‌رو امروزه شاهد هستیم که تقریباً چیز غیرقابل‌فروشی وجود ندارد. کسی کلیه نداشته باشد می‌تواند بخرد اما این فرایند یک قربانی دارد به‌خصوص وقتی که در اثر فقر و یاس این اتفاق بیفتد. اکثر کسانی که در جامعه ما کلیه می‌فروشند می‌خواهند یک مصیبت بزرگ‌تر را برطرف کنند. این اتفاق فقط در ایران نیست بلکه در همه‌جای دنیا، اخلاق بازار بر همه‌چیز تسلط پیدا کرده است. شما اگر بلیت درجه‌یک بخرید می‌توانید

وقتی جوانی با پورشه تصادف می‌کند و کشته می‌شود، موجی از خوشحالی در فضای مجازی شکل می‌گیرد. شاهد شکل‌گیری نوعی اسکیزوفرنی اجتماعی و ازهم‌گسیختگی روانی در اجتماع هستیم. جامعه ازهم‌گسیخته و در یک شرایط مخرب فراینده است و هیچ نشانه‌ای از بهبود اوضاع در آینده نزدیک وجود ندارد

از صف دیگری وارد شوید گرچه خود صف یک مصداق عدالت است و کسی که زودتر بیاید اول سرویس می‌گیرد ولی امروزه با پرداخت پول بیشتر صف از بین می‌رود. دانشگاه‌های معتبر آکهی منتشر می‌کنند و با گرفتن کمک مالی از والدین، به فرزندان اجازه ورود می‌دهند. امروزه رحم اجاره‌ای و مادر اجاره‌ای در ازای پول وجود دارد و کسی که پول داشته باشد می‌تواند از اغلب امکانات و خواسته‌ها برخوردار شود.

اما چه اتفاقی افتاده و نتیجه این تفکر نئولیبرال که همه‌چیز را به کالا تبدیل کرده چه بوده است؟ در جامعه مبتنی بر این نگرش، منطق مبتنی بر حقوق شهروندی وجود ندارد بلکه فقط مصرف‌کننده ارزش پیدا می‌کند و ارزش انسانی انسان‌ها به میزان پولی که دارند و تقاضایی که می‌توانند تأمین کنند تعریف می‌شود. نئولیبرالیسم علاوه بر نابرابری‌های عظیمی که در حوزه توزیع درآمد و به‌تبع آن توزیع قدرت در جامعه ایجاد کرده است، پدیده قربانیان خود را بارز می‌کند. بنگاه‌های خصوصی نیروهای

انسانی خود را اخراج می‌کنند و فرد در اثر نبود فرصت‌های شغلی به دامن جرم و جنایت می‌افتد و بعد جامعه نئولیبرال این اتصال را نفی و قربانی را به‌عنوان تبهکار، برجسته و محاکمه می‌کند. مسئله پیوند بین شرایط اجتماعی و ارتکاب جرم، امروزه در اثر سیاست‌های نئولیبرال قطع شده است. قاضی در جرمی که توسط دو دزد از یک خانواده فقیر و یک خانواده ثروتمند اتفاق افتاده، دو حکم می‌دهد و شدت حکم برای فقیر بیشتر است چون می‌گوید فقیر آدم‌بشو نیست اما در مورد فرد ثروتمند گفته می‌شود اشتباه کرده و با تخفیف مجازات روبه‌رو است. این نوع برخورد کیفری است که برای ارتکاب یک جرم در یک جامعه نئولیبرال صادر می‌شود.

نئولیبرالیسم در مقطع دوم به کیفری کردن قربانی می‌پردازد. تعداد زندانیان در آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ پنج برابر شده است و مشابه این جریان در ایران نیز اتفاق افتاده است، پرونده‌های قضائی در ایران امروز به ۱۶ میلیون فقره می‌رسد و ناشی از فرایند کیفری کردن بسیاری از پدیده‌هاست که در اثر رشد اقتصاد و فرهنگ نئولیبرال به وجود آمده است. مبحث دیگر، درمانی کردن قربانیان جامعه نئولیبرال است. در این جوامع وکلا و پزشکان برنده هستند و این مسئله در اثر نقض صریح قانون اساسی و خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت اتفاق می‌افتد.

دولت‌های نهم و دهم هم برای تخریب عدالت، بدترین اقدامات را انجام دادند. ۱۵۰ هزار میلیارد تومان دیون معوق بانکی یکی از نشانه‌های بی‌عدالتی‌هاست. یکی از اصلی‌ترین کارکردهای نابرابری، ایجاد گسست بین گروه‌ها و افراد و طبقات اجتماعی است و به‌دنبال آن، خصوصی است که بین گروه‌ها و طبقات ایجاد می‌کند؛ جامعه‌ای متشکل از گروه‌ها و طبقات ازهم‌گسیخته و متخاصم. وقتی جوانی با پورشه تصادف می‌کند و کشته می‌شود، موجی از خوشحالی در فضای مجازی شکل می‌گیرد. شاهد شکل‌گیری نوعی اسکیزوفرنی اجتماعی و ازهم‌گسیختگی روانی در اجتماع هستیم. اگر قدرت و ثروت به‌صورت نابرابر توزیع شد، منزلت اجتماعی، دسترسی به آموزش و سلامت نیز نابرابر توزیع می‌شود. جامعه نئولیبرال به شکل گسترده قربانیان خود را بازتولید می‌کند؛ کسی که متولد خانواده فقیر است محکوم به فقر است و فرزندان او نیز محکوم به فقر هستند.

نظام مالیاتی باید یکی از ابزارهای اصلی تصحیح این نابرابری‌ها باشد اما رئیس سازمان مالیاتی کشور اذعان می‌کند بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تولید ناخالص کشور، قرار مالیاتی داریم. سال گذشته حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان مالیات گرفته شد. اگر فرار مالیاتی را حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در نظر بگیریم، به‌راحتی بودجه جاری دولت تأمین می‌شود. در کشور به سهولت و صراحت، قانون اساسی نقض می‌شود، رئیس‌جمهور رسماً می‌گوید آموزش و پرورش باید خصوصی شود درحالی‌که قانون صریحاً دولت را مکلف به ارائه خدمات آموزش و پرورش رایگان به جامعه می‌کند. طبیعی است که در چنین فضایی صحبت از عدالت اجتماعی مورد هجمه قرار می‌گیرد چراکه گروه‌های صاحب‌قدرتی پیدا شده‌اند و این صحبت‌ها را ارتجاع لقب می‌دهند.

یارانه تیرماه از بامداد جمعه قابل برداشت می‌شود

• شرق: مدیرعامل سازمان هدمندسازی یارانه‌ها زمان پرداخت یارانه‌های تیرماه ۹۴ را روز پنجشنبه ساعت ۲۴ و به ازای هر نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام کرد. پنجاه و سومین مرحله یارانه نقدی مربوط به تیرماه سال جاری به حساب سرپرستان خانوارها واریز و قابل‌برداشت خواهد بود.

دلایل افزایش نقدینگی در دولت یازدهم تشریح شد

• تسنیم: معاون اقتصادی بانک مرکزی گفت: از ۲۹۰۶ هزار میلیارد تومانی که از ابتدای دولت یازدهم تا پایان سال ۹۳ بر نقدینگی اضافه شده، ۸۱ هزار میلیارد تومان مربوط به افزایش پوشش آماري و در راستای ساماندهی بازار پول بوده است. پیمان قربانی درباره چرایی افزایش ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی در دو سال ابتدایی دولت یازدهم به خبرنگاران توضیحی را ارائه و تأکید کرد: بعضاً بی‌دلیل، آمار و ارقام سیاسی می‌شوند درحالی که رسماً نباید این‌طور باشد. وی با تأکید بر لزوم برخورد صحیح با آمارهای اقتصادی و پرهیز از سیاسی‌کاری در این زمینه، افزود: در هفته‌های اخیر به صورت مکرر اظهارنظرهایی درخصوص افزایش ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی از ابتدای دولت یازدهم ارائه و این امر به‌نوعی نقطه منفی برای سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی قلمداد می‌شود. قربانی با بیان اینکه «ارزایی در خصوص متغیرهای پولی و اعتباری با رقم رشد صورت می‌گیرد و نه بر اساس میزان تغییر»، اظهار کرد: میزان نقدینگی در سال ۷۱ معادل ۳۵۰۹ هزار میلیارد ریال و در سال ۷۵ به ۱۱۶۰۶ هزار میلیارد ریال رسید. این در حالی است که در سال ۷۵ تنها تغییر در مانده نقدینگی ۳۱۰۵ هزار میلیارد ریال بوده بنابر این ۸۸ درصد مانده نقدینگی سال ۷۱، فقط در سال ۷۵ افزایش یافته است. معاون اقتصادی بانک مرکزی ادامه داد: میزان نقدینگی در سال ۸۴ معادل ۹۲۱ هزار میلیارد ریال و در سال ۹۱ تغییر در مانده نقدینگی هزار و ۶۴۰۴ هزار میلیارد ریال بوده است بنابراین در سال ۹۱ فقط در یک سال به اندازه کل نقدینگی سال ۸۴، نقدینگی در اقتصاد ایجاد شده است. قربانی با بیان اینکه، نقدینگی یک متغیر اسمی است و همان‌گونه که رشد اقتصادی براساس تولید ناخالص داخلی اسمی ارزایی نمی‌شود، نقدینگی نیز نباید نگاه به تغییرات مقداری داشته باشد، تصریح کرد: برای ارزیابی‌های دوره‌ای باید مقادیر رشد نقدینگی محاسبه شود. وی با تأکید بر اینکه، رشد نقدینگی همگن در دوره دولت یازدهم معادل ۲۲۰۶ درصد بوده که این رقم از دوران قبل کمتر است، خاطرنشان کرد: این رقم در دولت‌های نهم و دهم (۸۴ تا ۹۱) سالانه ۲۷۰۱ درصد، در دولت‌های پنجم و ششم معادل ۲۸۰۶ درصد و در دولت‌های هفتم و هشتم ۲۴۰۹ درصد بوده است. این عضو هیأت عامل بانک مرکزی خاطرنشان کرد: بانک مرکزی در سال گذشته هدف‌گذاری خود را برای رشد نقدینگی متناسب با اهداف حدود ۲۳ تا ۲۵ درصد در نظر گرفته بود. وی با اشاره به ترکیب نقدینگی، ادامه داد: بانک مرکزی در دو سال اخیر تلاش کرده نقدینگی به‌نفع ضریب فرایند حرکت کند و مهم این است که پایه پولی کاهش یابد که این امر نکته مثبتی است.

شرکت مولد نیرو میکا

عرضه ژنراتورهای دیزلی – گازی و نیروگاهی

جهت مصارف مسکونی، تجاری، اداری و کارخانجات

www.mikapower.com

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۰۶۴۰۰ و ۰۲۱-۴۴۹۰۱۱۲۸

فکس: ۰۲۱-۴۴۹۰۵۷۰۵



مولد نیرو میکا
MikaPower

